

## دیالکتیک گذار؛ از اسلام‌زدایی لائیک تا اسلام‌گرایی سکولار

سیاست داخلی و خارجی ترکیه در دهه اخیر

هادی صادقی

ترکیه داشتند و مهاجرت آن‌ها به شهرهای بزرگ یکی از ریشه‌های حرکت اسلامی موجود بود که به نوعی هویت‌یابی اسلامی منجر می‌شد و طبعاً حتی ناسیونالیست‌ها و سکولاریست‌ها را نیز به خود جلب می‌کرد؛ چرا که جامعه ترکیه، پس از طرد اسلام توسط لائیسیم، با نوعی بحران هویت روبه‌رو شده بود. به‌عنوان مثال «صبری سیری» در این باره نوشته است: «در دهه ۱۹۸۰م شمار روشنفکران اسلامی رو به افزایش گذاشت... به‌طوری که میان نسل جوان روشنفکرانی بودند که کنار مسایل دینی به موضوعات بین‌المللی و اندیشه‌های سیاسی اقتصادی غرب می‌پرداختند... به همین شکل برخی از دانش‌گاہیان و روزنامه‌نگاران از چپ افراطی به راست اسلامی گرویدند.» از طرف دیگر از دهه ۱۹۸۰م به بعد همراه با دیگر عرصه‌های اجتماعی تحولات احزاب اسلام‌گرا شتاب بیشتری به خود گرفت و هم‌زمان تلاش این احزاب برای به دست گرفتن قدرت سیاسی نیز شکل آشکارتری به خود گرفته و با اعتماد به نفس بیشتری دنبال شد. به‌گونه‌ای که حزب رفاه که در سال ۱۹۸۳م با هدایت اربکان تشکیل شد در سال‌های بعد به سرعت رشد کرد و به‌صورت نیروی سیاسی توجه همگان را به خود جلب نمود و در سال ۱۹۹۱م موفق شد با کسب ۱۷ درصد آرا وارد مجلس شود. نتیجه این انتخابات که تقریباً غیرمنتظره بود نشان داد که احزاب مذهبی هنوز نیروهای زیادی برای رشد و گسترش دارند. انتخابات بعدی در سال ۱۹۹۶م نقطه عطفی در تاریخ احزاب اسلام‌گرای ترکیه بود؛ زیرا حزب اسلام‌گرای رفاه با ۱۵۸ کرسی مجلس به عنوان بزرگترین حزب در نظام سیاسی ترکیه به پیروزی رسید. اگرچه بنا بر سنت دیرینه مجلس ترکیه حق تشکیل حکومت باید به رهبر این حزب واگذار می‌شد ولی ابتدا این حق به اربکان داده نشد. ۹ ماه بعد به دلیل اختلافات عمیق دو حزب «راه راست» و «مام میهن» و شکست دولت ایلماز، راه برای به قدرت رسیدن حزب رفاه هموار شد و علی‌رغم میل باطنی «دمیرل» و بعد از رایزنی‌های بسیار وی با تانسو چیلر رهبر حزب راه راست و متقاعد ساختن او، اربکان نخست‌وزیر شد که این جریان تحول زیادی را در اسلام‌گرایی مردم ترکیه داشت.

علاوه بر این‌ها، سیاست‌های رادیکال و ضددینی اجویت در سال‌های منتهی به ۲۰۰۲ بر تشدید فعالیت‌های اسلام‌گرایان در ترکیه بسیار تأثیرگذار بود؛ به‌ویژه این سری از سیاست‌ها از زمانی که اجویت در آخرین دوره نخست‌وزیری خود به دلیل مواجه شدن ترکیه با بحران شدید اقتصادی در سال ۲۰۰۰ و تشدید آن در سال ۲۰۰۱ مجبور به عمل به نسخه‌های تلخ اقتصادی صندوق بین‌المللی پول شد، می‌توانست سمت و سوی تبلیغاتی موثرتری را در اختیار اسلام‌گرایان قرار دهد. در چنین شرایطی بود که حزب عدالت و توسعه (که مؤسسان و اعضای ارشد کنونی آن از شاگردان نجم‌الدین اربکان، رهبر حزب اسلام‌گرای رفاه، فضیلت و سعادت بودند که در سال ۲۰۰۱ میلادی از آن منشعب شده ولی همچنان عنوان اسلام‌گرایی را به دنبال خود می‌کشیدند) در تاریخ ۱۴ اوت

ترکیه کشوری است که در یک‌صد سال اخیر به‌سان دیگر کشورهای منطقه خاورمیانه فراز و نشیب‌های زیادی را گذرانده است. شاید بتوان گفت چرخش‌های فکری و سیاسی ترکیه در قرن اخیر به میزانی بوده که تاریخ سده‌های پیشین این کشور را تحت‌الشعاع قرار داده است. این تحولات به‌طور خاص از برهه زمانی تشکیل جمهوری ترکیه در ماه اکتبر سال ۱۹۲۳ به ریاست مصطفی کمال پاشا در گستره دیالکتیک اسلام‌گرایی و سکولاریسم و در تعامل و یا حتی تقابل دولت و ملت ترکیه همواره موضوعیت داشته است. این منازعه گفت‌وگویی در سال‌های اخیر و با پیروزی اسلام‌گرایان حزب عدالت و توسعه سمت و سوی جدیدی به خود گرفت؛ سمت و سویی که بیش از هر چیز ناشی از سنتی است که با عبور از اسلام‌زدایی لائیک (که به‌طور خاص در عصر نخست‌وزیری اجویت دیده می‌شد) خود را در قالب نوعی از اسلام‌گرایی سکولار به منصفه ظهور می‌رساند تا از این طریق پیوند اسلام و مدرنیته در مناسبات دولت و ملت ترکیه و نیز در تعاملات منطقه اسلامی خاورمیانه و سکولار غرب تأمین شود.

با در نظر داشتن این مسأله در این نوشتار به بررسی مهم‌ترین ویژگی‌های اسلام‌گرایی حزب عدالت و توسعه به رهبری رجب طیب اردوغان در حوزه داخلی و خارجی می‌پردازیم؛ حزبی که چندی پیش برای سومین بار توانست در انتخابات پارلمانی ترکیه به پیروزی برسد.

### حوزه داخلی: آشتی دین و دموکراسی

در حوزه مسائل داخلی می‌توان گفت فضای سیاسی ترکیه در دو دهه اخیر همواره شاهد تقابل و منازعه دامن‌دار لائیسیم و اسلام‌گرایی بوده است که البته این منازعه گفت‌وگویی در دهه اخیر به سود اسلام‌گرایی (بر خلاف دهه قبل از آن) جهت یافته است. اما در واقع امر چرا این گونه شد؟ به نظر می‌رسد که زمینه‌های رشد اسلام‌گرایی در ترکیه که هم‌اکنون حزب عدالت و توسعه داعیه‌دار آن است، به قبل از روی کار آمدن حزب مزبور در سال ۲۰۰۲ برمی‌گردد که این خود از بسترهای ایجاد شده در دو دهه قبل از آن نشأت گرفته است. در این ارتباط می‌توان گفت روشنفکران مسلمان ترکیه از دهه ۱۹۸۰م به بعد در پی ترسیم جامعه اسلامی با ارزش‌های اصیل آن بوده‌اند. آنان معتقد بودند این جامعه نه تنها با علم و فن‌آوری جدید تعارضی ندارد، بلکه در این جامعه، علم و فن‌آوری بالنده‌تر خواهند شد. در واقع آن‌ها با اعتقاد به مدرن شدن جامعه در شکل از پایین به بالا معتقد بودند که در چنین وضعیتی، دین و هنجارهای ارزشی جامعه نیز به حاشیه رانده نمی‌شود، بلکه (همان‌طور که وبر معتقد است) در مدرن‌سازی جامعه و ایجاد انگیزه نقش می‌داشت. نکته قابل تأمل این که بیشتر این روشنفکران ریشه در شهرهای دوردست